

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام  
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی  
و یومیه (جبل المتین)

(عنوان مراسلات)  
طهران خیابان لاله زار  
نام مدیر میرزا سید حسن کاشانی  
دبیر ادارہ آقا شیخ یحیی کاشانی

غیر از روزهای جمعه همه روز  
طبع و توزیع میشود

یومیه

# جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۴۰ فران  
سایر بلاد داخله ۴۵ فران  
روسیه و قفقاز ۱۰ منات  
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

(قیمت يك نسخه)  
در طهران صد دینار  
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان مطری

دو فران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

بامضا بمول و در انتشارش دایره آزادات

شنبه ۱۹ شعبان المعظم ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱۱ مهرماه جلالی ۱۲۹ و ۲۸ سپتمبر ۱۹۰۷ میلادی

کتابچه املاحات

(راجع بنمره قبل)

در باب پلیس

لازم تر از اصلاح مشون ترتیب پلیس است که  
همین برای طهران بلکه برای سایر بلاد و ولایات  
نیز لازم است در ایران پلیس بسبب قدیم هست لکن  
در طهران باید اصلاح ترتیب آنها را فراهم آورد و  
نظامنامه بجهت اجزاء پلیس و ادارات آن نوعت و  
یزودی همه جا شعبه ها از آن دایر کرده و اگر حقیقه  
بخواهید عمل پلیس را اصلاح کنید قوانین ترتیب آن  
آسان است باید قواعد سهل و ساده که بالنسبه بهمه کس  
مینی بر عدالت باشد وضع نمود و مردان بائینه و جوان  
و قابل که در همه فصول و اوقات تحمل اعمال شاقه  
را داشته باشد انتخاب کرد و یک آدم قابل بجهت ترتیب  
و فرماندهی آن اجرا در نظر گرفت و موجب وجیره  
و لباس صحیح بایشان داد و هر وقت آنها از عهده  
حفظ امنیت بر نیایند باید سربازان بجهت معاونت ایشان  
حاضر داعت و درینصورت پلیس صحیحی خواهید داشت  
و یک اداره هم باید ترتیب داد که هر روز چهار نفر  
الی شش نفر انجا آمده اشخاصی را که دستگیر کرده  
ب اداره آورده اند محاکمه نموده مجازات ایشانرا معین  
کند و بداند که در تمام ممالک اروپا مسئله اداره  
پلیس غیر از همین که ذکر شد شرح و بسطی ندارد  
و مخارج زیاد هم بر نمیدارد زیرا که در هر شهری  
از بلاد ایران بجهت هزار نفر سکنه یک نفر پلیس کفایت  
میکند که امنیت را محفوظ بدارد و حکامی که از طهران

سایر بلاد فرستاده میشود مجری و مطاع نماید و حال  
آنکه اگر دولت ترتیب اداره پلیس نداده متوقع باشد  
که اوامرش مطاع و امنیت برقرار باشد باید توکل تام بخدا  
یا اطمینان کامل بمقل و ائسائیت رعایای خود نماید  
صنی دولت متمدن اینست که اداره پلیس صحیح داشته  
باشد و هرچه اداره پلیس مرتب تر و بقاعده نزدیک تر  
باشد کلیه امور مملکتی منظم تر خواهد بود

(طرق و شوارع)

یکی از اقدامات بسیار مهمه بجهت ایران اینست که  
ادارات مرکزی طرق و شوارع تأمیس کند چه برای  
احداث طرق جدید چه برای نگاهداری یعنی مرمت  
دائمی شوارع قدیمه و اینهم اسباب از دیاد قدرت دولت  
و مشکل کردن بروز اغتشاشات در ولایات میشود هم  
وسیله سهولت ترقی تجارت میگردد و همین قوای موجوده  
اگر مصرف برسد در عرض چند سال ایران میتواند  
راههای زیاد داشته باشد و مخارج آنها بالنسبه گزاف  
نمیشود در صورتیکه قباس بکنیم که دادن امتیاز طرق و  
شوارع بخارجه عاقبت برای مردم چقدر خسارت خواهد  
داشت دولت روم قریب دو هزار سال قبل اکثر طرق  
و شوارع اروپا را ساخته و مخارج زیاد هم متحمل شده  
سلطین مغول نیز در هندوستان راههای عدده تجارتی  
را بهمان طریق خوب و ارزان ساخته اند روسها هم از  
همان دول قدیمه تقلید کرده دارائی طرق و شوارع شدند  
والبته ایران نیز همان کار را میتواند بکند بدون اینکه مخارج  
گزاف بنمایند و نکته که دول مذکور بکار برد اینست که  
کار گر ارزان پیدا کردند مخصوصا لشکریان را در اوقات  
امنیت باینکار واداعتمد یعنی هنگامی که سرباز مشق و

تکلیف ساخوی ندارد اگر مبلغ مختصری بر مقرر  
 او اضافه کنند برضا و رغبت راه سازی میکند و سیله  
 دیگر اینست که گداهای سالم و مقصرین توانا را مجبور  
 کنند در تحت نظر سربازان بکار مشغول شوند اکنون  
 مبلغ خطیری از ثروت ایران صرف این قبیل اهل خاص  
 میشود و هیچ نفعی از وجودشان عاید دولت نمیکرد  
 در تمام دول مردم را تشویق بکار میکنند بلکه مجبور  
 میدانند در ایران غالباً مردم را به بیکاری و تنبلی و  
 میدارند که تکیه قوه کار دارند و کار پیدا نمیکنند که وسیله  
 معاش ایشان شود خوبست دولت متکفل آنها شود و  
 کار مجبوری بانها بدهد هم دولت صرفه میرد هم مردمان  
 فقیر بکار میافتند و احوالشان بهبودی مییابد بواسطه  
 اینکه در معار بیکاری نمی نشینند و تریاک کشی و سایر  
 بلیات دوچار نمیشوند مجازات مقصرین هم بواسطه بکار  
 گرفتن ایشان بهتر صورت میگیرد زیرا که مقصود از  
 سیاست مقصر دو چیز است یکی آنکه چون مخالف قواعد  
 هیئت اجتماعی رفتار کرده و خسارت وارد آورد. تلافی  
 آن خسارت بشود دیگر آنکه خود مقصر متنبه شده مدعا  
 عمل خود را تصحیح کند و مرتکب سیئات نشود اما  
 بجهت مقصود اول البته اگر مقصر را بیکار نگذارند  
 و بمخارج هیئت اجتماعی او را متکفل شوند آن مقصود  
 بعمل نیامد و بهره عاید هیئت اجتماعی نمیشود و اما  
 مقصود دوم یقیناً بکار و داشتن مقصر با شرایط حفظ صحت  
 خیلی اخلاق او را بهتر تصحیح میکند از اینکه او را در اطلاق  
 تادیک مرطوبی نگاه بدارند که این خود اسباب مزید  
 علت مزاج و دماغ او میشود پس مگر آن میگوئیم که دولت  
 ایران میتوانند خیلی بطور صرفه طرق و شوارع بسازد  
 باین ترتیب که سربازان را هنگام بیکاری بمزد مختصر  
 باینکار وادارد، گداهای و مقصرین توانا را هم بشرط داشتن  
 ناظر و مراقب امین کافی معاون ایشان قرار دهد و برای  
 این مقصود باید در طهران اداره صحیحی تاسیس کرد  
 و در بلاد متبیر هم شعبه ازان دایر نمود و حساب آن  
 اداره را بدرستی در تحت نظارت قرار داد و کار آنرا  
 هم بدست مهندسین راه ساز فرامی سپرد چنانکه طرق  
 و شوارع روسها اکثر بدست مهندسین انگلیسی ساخته  
 شده و ایران هم ازین مسئله باید تنبه حاصل کند مهندسین  
 انگلیسی را که چند سال در هندوستان راه سازی کرده  
 باشند میتوان بجهت اینکه آب و هوای ایران بهتر است  
 واضی کرد که درین مملکت با اجرت کمتر کار بکنند  
 و بکار گرفتن ایشان بهتر است چون در مشرق زمین سر  
 کرده و باداب این مملکت مانوس شده و بهتر از کاتیکه  
 مستقیماً از اروپا میباید از عهده کار بر میآیند در اینجا

قدری از موضوع خود خارج شده یاد آوری میکنم  
 که مملکت ایران چقدر غین وحش دارد از اینکه بیش  
 از اندازه حالیه راجه دوستانه و مستقیم با هندوستان ندارد من ده سال  
 در هندوستان اقامت کرده و شخصاً عام و اطلاع در این  
 خصوص دارم و یقین میدانم که دولت ایران بواسطه  
 ترک مناسمی که از هندوستان میتواند ببرد ثروت عظیمی  
 سالیانه از دست میدهد و بخاطر ندیاورد که در تردکی ما  
 دولتی هست مساعد باما که بر ششصد کرور نفوس در  
 یکی از متول ترین ممالک عالم حکومت میکند و لریب  
 صد کرور از آن مردم بادهامکیش هستند و مدارس مهندسی  
 و طب و فلاحه و معماری و آنچه راجع بامور نظامی است  
 در آن ممالک موجود و برای ایرانیان مفتوح است و  
 مخارج آنها بالنسبه کم است چنانکه با بخارجی که  
 یک نفر ایرانی در اروپا تربیت میشود اقل از ده نفر میتوان  
 در هندوستان تحصیل کنند و تربیت ایشان هم برای ایران  
 بهتر از تربیتی است که در فرنگستان میباید زیرا که گذشته  
 از بعضی اشخاص معدود که ازین قاعده مستثنی هستند  
 باقی ایرانیها که برای تحصیل بفرنگستان میروند چون  
 بایران مراجعت میکنند درین مملکت بکار بر نمیخورند  
 چونکه در اروپا تمدنی دیده که در ایران نمیتوان معمول  
 داشت مایوس شده و آنچه در ایران می بینند و میشوند  
 ایشان را بکلی از کار باز میدارد وکی هندوستان برعکس ایرانیها را  
 برای کار مهیج خواهد شد زیرا که مملکتی و جماعتی  
 را می بینند که معدودی اجزاء حکومت امور آنها را  
 اداره میکنند و دستگیر با قدرتی برای آنها تشکیل داده  
 بطوریکه هر چند مردم هندوستان از حیث هوش و قوای  
 بدنی و عقلی خیلی پست تر از ایرانیها هستند معیناً دولت  
 ایشان آزان دارای تمدن بسیار عالی میباشد بخاطر  
 بیاورید که هندوستان تا صد و پنجاه سال قبل دائماً  
 گرفتار طبع افغانها و ایرانیها و هر کس که بخیل تعرض  
 آن مملکت میافتاد بود و حالا اگر سر خود باشد  
 میتواند عبرت ازین تمام ممالک و دول آسیا را مضمحل  
 کند شک نیست در اینکه اگر ایرانیها زیاد به هندوستان  
 رفته بخریب تحصیل کنند و بفهمند که دولتی که صد سال  
 قبل چنان ضعیف بود چگونه بدرجه قدرت حلیه رسیده برای  
 ما آمده کای خواهد داشت و محض تاکید باز میگویم که دولت ما  
 هر سال ضرر فاحش میبرد از اینکه ایرانیها را به هندوستان  
 نمیفرستند که تجارت کنند و تحصیل کرده داخل در فنون  
 مهندسی و طب و صاحب منصب نظامی شوند و ضمناً خانهای  
 مسلمان مشغول هندی را جذب نموده بایران آورند و ثروتهای  
 عظیمه از این راه داخل مملکت خود نمایند  
 (بجهت دارد)

## ﴿الامبول﴾

(استدعای مخصوص اداره)

هر هفته پست میرسد و یکدسته اوراق چاپی و عکسی وقتی از اسلامبول با اداره می‌آورد و مدتی اوقات اعضاء اداره که نهایت کم و پر قیمت است یعنی باید صرف امور پر قیمت شود صرف مطالعه و قرائت آن اوراق لا طائنه شده در آخر معلوم میگردد چگونگی راجع بستایش و نیایش حضرت اشرف پرنس صالح یا جنک است و این مرد محترم گویا مارا دست انداخته بانواع تالیفات و تالیفات آهنگین قلم ما را که بایستی صرف خدمت ملت مظلوم در مانده خود شود بطرف اغراض شخصی دعوت کرد. گاه اظهار بیگانگی و دیری یاد آوری از دوستی قدسی مینماید بانکه قسم برب کعبه و حرم از روزیکه انجناب درد که بزاری مشغول خریدن و فروختن کرباس و چلواری بوده تاکنون هر گر درین خصوصیتی نبوده و محبتی در میان وجود نداشته است همان ایام که بانامهای اروپائی مشغول باختن نزد مغالزت بودند نه بانایشان محشور بودیم و نه در عالم خیال مانوس چه نسبت خاکرا با عالم یک

( شما و سیر و گل کشت اروپا )

( شما و عشق شاهد های زیبا )

همارا با مخبر جراند فرنگ و مصر و شام مودت است که در سفارت علیه طلیده و با پاترده لیره که بضرع شلاق از خون جگر رعیت گرفته صورت تلگرافی ذیل را نوشته و قیمت مخا بر را نیز از جیب فتوت یعنی مال ملت مرحمت میفرمائید که بروز نامه ( بوده فرایه ) منظمه وینه فرستاده درج فرمایند

بتاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۰۷ نمره ۱۵۳۲۷

این اواخر یک نفر اغتشاش طلب ایرانی موسوم بمیرزا آقا وادر اینجا کشته در صدد تشکیل انجمن آزادی طلب مخفی مابین ایرانیان مقیم اسلامبول که عده شان بسیار است برآمده و مقصدش این بود که جمع شده نماینده بیارلمان ایران بفرستند پولیس عثمانی مسئله را کشف کرده و با بمبالی از ترس اینکه بمبادا این حرکت ایرانیان بشماینها اثر کرده و سرمنق بدی بانها بدهد طرد و تبعید اغتشاش طلب را با بهم زدن جمعیت مزبور از سفارت ایران خواستگار شد و منهم را با کمال سختی در تحت محافظت گذشته و این فقره باعث سکنه امور تجارتمی آنان شد و سفارت کبری ایران در ابتکار مداخله نموده لایحه به باب عالی سپرده که تقریباً بیست نفر از معتبرین ضمانت کرده بودند که از این تشبثات دست برخواهد داشت از متهمین یکی از اعضاء سفارت کبرای ( مستشار ) و یکی از اعضای قونسولگری ( خود قنصل ) از ما موریت تمیر داده شد

جناب اشرف اگر شما اندکی غیرت داشته و اسم عار را هنیده بودید در این دو سه ماهه باید از خجالت آب شده با عید که سمیر انگلیس و روس مقیمان دربار عثمانی اینقدر سنک ایرانرا بر سینه بزنند و تو اسداً اظهار حیاتی نکنی آخر مگر تو سفیر و ترو تلاً یا آکو آتر بودی که اصلاً یک کلمه نباید راجع بسرحد زده لافل سری در سرها داخل کنی خنک بر سر آفات و دولتی که چون تو نماینده دارند هزار یک جوشی که در رساله صالح داشتی خوب بود در این مسئله خرج میدادی د کتر عیسی را که متصل پول داده و ادار بترجمه عربی رساله کرده با اداره الموبد و المقطم و الا هرام و اللواء و آل و آل و هزار آل میفرستادی خوب بود یک دلمه او را برای امر سرحدی بباعالی میفرستادی ترجمه چینی و ژاپونی آن اشعار خنک لازم نیست و الله اگر بزبان چینی ترجمه نشود شمارا ملامت نمیکند چه خوب فرمود جناب حاجی امام جمعه خوئی در مجلس مقدس ارفع الدوله کسی است که قلمی را که با آن قلم قرض خانه بر انداز را امضاء کرد طلا گرفته و برای یادگار شرف و افتخار فامیلی خود محافظت ابدی نموده از چنین کس توقع دوستی و چشم داشت حمایت در باره ملت و دولت ایران چگونه توان داشت

شما با مصطفی خان صفاء المملک مستشار سفارت محض آنکه و طز پرست و غیرتمند و ملت خواه است غرض دارید و میخواهید او را متهم کرده منزل نمائید چه ربط بتجار بیچاره دارد آخر بری بندی قیصر را آتش زدن دور از اتصال است ! نمیدانم هیچ از وقایع هر روزه طهران شمارا عبرت حاصل نمیشود ؟ حالا وزارت امور خارجه با جناب سمدالدوله است که خوب بحال شما بصیرت دارند اگر هزار تدبیر بکنند نجاتی از برای شما متصور نیست این آدم گول نمیبخورد رشوه هم تاحل نشنیده ایم گرفته باشد شما باید یک فکری صحیح برای خود بفرمائید کمان ندارم دیگر شمارا در اداره وزارت خارجه قبول کنند ملت ما وزیر است که دارای پنج سطر القاب باشد و دکتری و پرسی و دلشی و آلتسی و سرداری و . . . . داشته باشد بدرد ملت فقیر نمیبخورد مادیرا اقدر پول نداریم که شما همه خانمهای فرنگی و جراند فارسی و عربی و ترکی و فرانسوی و روسی و مخبران عموم جراند را سیر کنید از وجه دلالی هم که اینقدرها اندوخته دارید که کفای معاش شمارا بدهد — باری استدعای مخصوص این اداره محقره حضور مبارک شما آستکه بعد از این اوراق مدینه و اشعار آبدار و برات

نامهای خود را باین اداره ارسال فرمایند و اسباب درد سر و تصدیع خاطر اعضاء اداره را فراهم نمایند که تا ابد همین امتنان آن جناب و دعاگو خواهیم بود اداره جسارت بسیار و برای قبول آن اوراق حاضرند ما را بمذازی بمطالعہ آنها اذیت نکنید باین است این استدعای عاجزانه در حضور مبارک پذیرفته خواهد شد -

( بل آجی راجع بشماره قبل )

( سواد مرسله سفارت روس بوزارت خارجه )

مورخه ۱۶ جمادی الثانیه ۱۳۲۵

مراسله محترمه مورخه چهارم شهر حال جناب مستطاب اشرف عالی و مخصوص بل آجی جای و اصل است اقدام گردیده اینک جوابا بمقام تصدیع بر آمده محترما خاطر مودت مظاهر را قرین استحضار میدارد که این تشکیات از جانب مفاخر الدوله بملک عدم بصیرت و اطلاعات است زیرا حق العبور جاده تبریز از روی مسافت تعیین گردیده و زاید بر آن حق مخصوص برای عبور از پلها اخذ نمیشود و باینجه بدون زحمت تفکر میتوان درک و فهم نمود که اخذ حق العبور مقرر در این سمت یا آن طرف بل فرقی ندارد و در هر دو جا یکسان است و علت تعیین و انتخاب محل باج کیرخانه در طرف تبریز این است که در این سمت ابنیه تیره و کمربتخانه و سایر عمارات دیدر واقع و آن طرف صحرا و بیابان فقر میباشد و علاوه بر آن مردمانی که از راه شوسه روس عبور میکنند موقتا از پل وقفی حاجی حسین تبریزی میگذرند زیرا مهند سین روسی در نیم فرسخ پائین تر مشغول احداث پل بزرگ جدیدی هستند که بواسطه آن راه شوسه داخلی محله قره ملک تبریز خواهد شد نظر بملاحظات مزوره ابتیاع بل آجی بگلی بیژنه و نالازم چون مردم جاناً از آن پل عبور نموده و روسها دیناری دریافت نمی دارند وراث مشار الیه هم حسب وصیت نامه بهیچوجه حق شکایت نداشته مهل است باید راضی هم باشند که پل را برای آنها تعمیر کرده اند ولی محتمل است که مشار الیه همین تعمیر را علامت تصرف فرض کرده و باین جهت بمقام شکایت مر آمده اند علی ای حال آخرین دلیل اثبات این فقره نیز آنستکه کما فی السابق روی پل مذکور تخته نصب و دارای لوحه است که وقفیت آنرا بخوبی ثابت و مدلل میدارد محض استحضار خاطر دوستی مظاهر آن جناب اشرف زحمت افزا گردیده خواهشمند است اقدامات باتیه را نیز در این موقع نسبت بخود قبول فرمایند زیاد مزاحمت نمیدهد ( نیکلا هار توپک وزیر مختار روس )

حضور مبارک . . . . اداره حبل المتین زحمت میدهد بموجب قانون مشروطیت روزنامه زبان ملت است هر گس چیزی نافع بحال ملت داند باید درج فرمائید هر گاه غیرمضر باشد و روزنامه البته در قانون مشروطیت به پیشکام بزرگان مسؤولید چیزی که این اوقات زیاد عیب گردیده لجاجت در جواب نادن است هنوز مطالب رادرك نکرده و گوش نداده و نتیجه را نفهمیده بدون بینة و شهود و برهان رد کردن مطلب است و حال آنکه و خامت او را میدانند در این مدت آنچه آشوب و انقلاب در نظر مینماید گویا می اغراق از تسایح همین مسئله است امید است که برادران دینی من بعد در استماع مطالب خیریه قسری تامل و سبر نمایند و بعد از تفکر با برهان عقلی و قلبی جواب دهند آخر تا کی تا چند این ایرانی مایه حال جنبه حبس الصوت را داشته باشد والله بالله که حیوانات هم تا خودشان تمیز چیزی را ندهند بسمت او رونمایورند تجربه کنید يك الاغی را بزور ببرید در يك غلف زاری يك دسته غلف را که فلان گول باشد نزدیک او ببرید یا آب قدش برید تا بوقی نکند و فائده او را نه بیند ابداً دهن نیگذارد مدتی است در این شهر مستبدین بنیاس مشروطه تیزی کرده اند که شاید انجمن هارا از هم تفرقه بیندازند بهر کس میرسد نسبت پول گرفتن و رشوه خوردن که امروز بدترین خیانت بملت است به مؤسین انجمن و مشروطه میدهند شاید قلوب را متزجر کنند و باین تدبیر و کلا را از انجمن ها و انجمن هارا ارموس و هر دورا از و کلاء و هر سه را از روزنامه جات و هر چهار را از دولت و هر پنج را از ملت دور و دلننگ کنند که خیالات باطله را رواج دهند محضاً لله و طلباً لمرضاة تمنی دادم استدعا دارم قسری تامل فرموده اینراه را سد فرمایند و بی درنگ قبول نکنند خود را در خطر دیده و بروز مطلب را دادم بسته بهیئت دوستان مشروطه است ضمناً چون بر ملت فرض است که هر کس بقدر قوه کمک در عیادت دولت نماید این ذره می مقدار فرمان احکام نمود تو بان جیره و موجب نظامی دانستیم که از زمان مرحوم ناصرالدین شاه عاید میشد تمام را پاره کردم و در لف یا کت بوسیله اداره خدمت وزارت جنگ فرستادم و او را قدیم دولت کردم و بهیچوجه قبول نخواهم کرد همین لایحه هم سند باعد زیاده چنانم فرمان مشروطه خواهان حقیقی ( سر باز ملت ابولسادات )

اعلان

صابون عطری بسیار ممتاز ایران مرکز فروش در جنبه دالان امین لعلک تیمچه پارسیان حجره مهریان جمشید قیمت قلبی پاترده شاهی ( حسن الحسینی الکاهانی )